

پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۳۲

هزار و سیصد و نود و شش - نیمسال دوم (دوفصلنامه)

- ۷ **تبیین اصول مقررات‌گذاری بانکی در پرتو نظام حقوقی ایران**
دکتر علی اکبر گرچی - دکتر هدیه سادات میرترابی
- ۳۷ **تعیین مسؤوّل حادثه رانندگی از میان مالک و راننده اتومبیل با نگاهی به قانون بیمه اجباری**
مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی
دکتر حمید بهرامی احمدی - رضا آقاعباسی
- ۵۹ **مبنا و حدود مسؤوّلیت مدنی پیمانکار**
شهرام کریمی تازه کند - دکتر محمود عرفانی - دکتر جواد واحدی زاده
- ۹۹ **حقوق بین الملل معاصر: حقوق مبتنی بر تعامل یا تعارض؟**
دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد - دکتر هاله حسینی اکبرنژاد
- ۱۲۹ **بررسی مبانی فقهی و حقوقی ماده ۸۵۲ قانون مدنی**
دکتر سید محمدصادق طباطبایی - فاطمه کریمی
- ۱۴۵ **اصول استقلال و بی طرفی در رادیو و تلویزیون‌های خدمت عمومی با تأکید بر ایران**
نفیسه معارفی
- ۱۷۷ **تعیین نظام حقوقی حاکم بر پروازهای تفریحی فضایی**
امینه فراستمند
- ۲۰۹ **بررسی تحلیلی برخی از جنبه‌های حقوقی برات از دریچه لایحه نوین تجارت**
دکتر حمید میری - سیروس شهربازی - مصطفی عابدین پور
- ۲۴۵ **بررسی حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه ایران از منظر معیارهای حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه**
سید یاسین حسینی
- ۲۶۹ **بررسی نظام حقوقی بیمه‌های خدمات درمانی در ایران با مقایسه بیمه‌های درمانی در آمریکا**
دکتر عمران نعیمی - محمد شریفی سلطانی
- ۲۹۳ **تأثیر قوانین مربوط به تملک املاک بر معاملات املاک شهری**
شهناز سیف‌الهی





حقوق بین الملل معاصر: حقوق مبتنی بر تعامل یا تعارض؟

دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد* - دکتر هاله حسینی اکبرنژاد**

چکیده:

تعارض میان قواعد و هنجارها در هر سیستم قانونی می‌تواند مشکل‌ساز باشد، زیرا وجود تعارض می‌تواند به عنوان تهدیدی علیه تمامیت و کارایی حقوق محسوب می‌شود. اساساً موضوع تعارض میان هنجارها با موضوع وجود سلسله‌مراتب میان قواعد حقوق بین‌الملل در ارتباط است. در حقوق بین‌الملل کلاسیک که غالباً به عنوان حقوق ناشی از هم‌زیستی شناخته می‌شود، روابط به طور عمده، دوجانبه بوده و تعارض‌های هنجاری منطبق با الگوی دوطرفه است. تحولات حقوق بین‌الملل، ضرورت ایجاد یک سلسله‌مراتب در نظام‌های هنجاری حقوق بین‌الملل را ایجاب می‌نماید. آنچه مسلم است اینکه ساختار کنونی حقوق بین‌الملل تاکنون نتوانسته است به عالی‌ترین سطح ممکن برسد و به عنوان الگو مطرح باشد.

کلیدواژه‌ها:

حقوق بین‌الملل، تعارض، قواعد، هنجار، سلسله‌مراتب.

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۳۲، نیمسال دوم ۱۳۹۶
صفحه ۹۹-۱۲۸، تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۲

* دکترای حقوق بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسؤول

Email: hooriehhosseini@yahoo.com

Email: halehhosseini555@yahoo.com

** دکترای حقوق بین‌الملل، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

مقدمه

با توجه به اینکه یکی از شاخصه‌های حقوق بین‌الملل معاصر، حقوق مبتنی بر همکاری و منافع جامعه بین‌المللی^۱ می‌باشد، یک سلسله‌مراتب هنجاری مبتنی بر ارزش‌ها در حقوق بین‌الملل در حال شکل‌گیری است. اکنون، ضرورت جستجو نمودن قواعد حل تعارض در حقوق بین‌الملل معاصر، فراتر از حقوق معاهده‌ای (ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق معاهدات وین در مورد شیوه‌های حل تعارض میان معاهدات) بر مبنای موضوعات ذیل مطرح می‌باشد:

- سلسله‌مراتب هنجاری: اکنون در عرصه حقوق بین‌الملل در زمینه وجود یا عدم وجود یک سلسله‌مراتب هنجاری نهادینه شده نظرات مختلفی مطرح است.^۲ در میان منابع کلاسیک حقوق بین‌الملل وجود سلسله‌مراتب لحاظ نشده است؛^۳

- اصل حداکثر تأثیر گذاری؛^۴

- اصل قصد قانون گذاری.^۵

۱. «جامعه بین‌المللی» عمدتاً حاکی از منافع جمعی دولتهاست که به تعالی یکایک آنها می‌انجامد و از این جهت در پارادایم کلاسیک «دوجانبه‌گرایی» مفهوم جامعه بین‌المللی ارزشی (با تکیه بر ارزش‌های مشترک) مصادیقی نخواهد داشت. وجه فارغ و مشخصه جامعه بین‌المللی در شکستن قالب کلاسیک دوجانبه‌گرایی و میزان بالای «وحدت» در مقایسه با سایر مفاهیم مشابه است که در صورت اخیر «منافع جمعی دولت‌ها» بر منافع فردی و یک‌جانبه آنها تفوق دارد. نک: آرامش شهبازی، *نظام حقوق بین‌الملل (وحدت در عین کثرت)* (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹)، ۶۲-۶۱.

۲. به طور کلی در حقوق بین‌الملل این امر پذیرفته شده است که یک سلسله‌مراتب ذاتی میان منابع حقوق بین‌الملل وجود ندارد. برخلاف سلسله‌مراتب‌های موجود در حقوق داخلی، یک هنجار و یا قاعده از حقوق بین‌الملل که از یک منبع حقوق بین‌الملل ایجاد می‌شود، در مقایسه با یک هنجار دیگر که از یک منبع دیگر ناشی می‌شود، دارای ارزش بالاتر نمی‌باشد. این دیدگاه در میان حقوقدانان طرفداران زیادی دارد. به طور نمونه می‌توانید رجوع کنید به:

Nancy Kontou, *The Termination and Revision of Treaties in the Light of New Customary International Law* (Oxford: Clarendon, 1994), 21.

به نظر برخی از حقوقدانان وجود یک سلسله‌مراتب از پیش موجود در حقوق بین‌الملل، در تعارض با ساختار نظم حقوقی بین‌المللی است:

Mark Villiger, *Customary International Law and Treaties, A Manual on the Theory and Practice of the Interrelation of Sources* (The Hague: Kluwer, 1997), 84.

۳. در میان منابع کلاسیک حقوق بین‌الملل که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مورد تصریح قرار گرفته‌اند (معاهده، عرف و اصول کلی حقوقی) هیچ‌گونه سلسله‌مراتبی لحاظ نشده است. بنا به اذعان برخی از حقوقدانان، این ماده درصدد تعیین سلسله‌مراتب میان منابع حقوق بین‌الملل نمی‌باشد. رک:

Ian Brownlie, *Principles of Public International Law* (Oxford: Clarendon, 1998), 3.

4. The Principle of Maximum Effectiveness.

5. The Principle of Legislative Intent.

تعارض میان قواعد و هنجارها در هر سیستم قانونی می‌تواند مشکل‌ساز باشد، زیرا وجود تعارض می‌تواند به عنوان تهدیدی علیه تمامیت و کارایی حقوق محسوب شود.^۶ در عرصه حقوق بین‌الملل، احتمال بروز تعارضات نرماتیو بیشتر از حقوق داخلی می‌باشد و این به دلیل فقدان ساختار نرماتیو نهادینه‌شده مبتنی بر وجود یک سلسله‌مراتب می‌باشد. اساساً موضوع تعارض میان هنجارها با موضوع وجود سلسله‌مراتب میان قواعد حقوق بین‌الملل در ارتباط است.^۷ حقوق معاهدات به شیوه‌ای چندپاره، اختصاصی^۸ و بعضاً موازی در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی متعدد، توسعه پیدا کرده است و در برخی موارد منجر به ایجاد تعهدات معارض و متناقض شده است که دارای هم‌پوشانی با یکدیگر می‌باشند. این وضعیت با توجه به ارزش و اعتبار برابر نرم‌های بین‌المللی (به استثنای قواعد آمره) از پیچیدگی بیشتری برخوردار می‌شود.^۹ در نظام حقوق بین‌الملل با عدم وجود قانون‌گذاری متمرکز و واحد مواجه هستیم، بلکه انعقاد معاهدات توسط دولت‌های متفاوت و در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی^{۱۰} صورت می‌پذیرد.

وجود تعارض در یک نظم حقوقی به عنوان یک وضعیت نامطلوب و در عین حال گریزناپذیر قلمداد می‌شود که نیاز به جبران شدن توسط حقوق را دارد. قواعد معاهده‌ای و عرفی موجود، مقرراتی را در مورد حل تعارضات موجود میان تعهدات بین‌المللی از جمله

۶. موضوع تعارض میان قواعد حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل از موضوع بحث حاضر خارج می‌باشد.
 ۷. امروزه در حقوق بین‌الملل معاصر نمی‌توان سخن از موضوع تعارض هنجاری به میان آورد، لیکن مسئله وجود سلسله‌مراتب هنجاری در حقوق بین‌الملل را نادیده انگاشت. نک:

Joost Pauwelyn, *Conflict of Norms in Public International Law (How WTO Law Relates to other Rules of International Law)* (Cambridge: Cambridge University Press, 2003), 5.

8. Ad Hoc

۹. کمیسیون حقوق بین‌الملل در ارتباط با تعارض هنجارها و قواعد حقوق بین‌الملل بر این باور است که در صورت بروز هرگونه تعارض (در نتیجه تنوع و تکرار) در نظام حقوق بین‌الملل، تعارض موجود از طریق اصول پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل کلاسیک یعنی «اصل قاعده خاص»، «قاعده مؤخر» و «قاعده برتر» قابل حل است. با این حال، خود کمیسیون ضمن اشاره به این مطلب که قواعد عادی حل تعارض میان هنجارها در برخی موارد خاص، قابل اعمال نیست، به تأیید وجود قواعد آمره در حقوق بین‌الملل و بیان ارزش آنها در رابطه‌ای مبتنی بر سلسله‌مراتب با سایر قواعد حقوق بین‌الملل می‌پردازد. رک: شهبازی، پیشین، ۱۸۱-۱۸۰.

۱۰. عمده معاهدات بین‌المللی در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی انعقاد می‌گردد. فقط چند دسته از معاهدات به دلیل ماهیت و محتوایی که دارند توسط خود دولت‌ها منعقد می‌گردند. به طور نمونه می‌توان به معاهدات مرزی، معاهدات قضایی و معاهدات مربوط به استرداد مجرمین اشاره نمود.

تعهدات معاهده‌ای وضع می‌کند.^{۱۱} به طور نمونه عرصه حقوق بین‌الملل محیط زیست یکی از زمینه‌های حقوق بین‌الملل می‌باشد که در آن امکان بروز تعارض با سایر قواعد وجود دارد.^{۱۲}

۱- تعارض میان قواعد: انفکاک‌ناپذیر از حقوق بین‌الملل

به نظر می‌رسد امکان بروز تعارض میان هنجارها در هر سیستم حقوقی، امری ذاتی و انفکاک‌ناپذیر باشد. در حقوق داخلی، از بروز بسیاری از تعارضات جلوگیری می‌شود، زیرا در بسیاری موارد، قانون‌گذار، هنجارهای معارض را ملغاً می‌کند و یا صراحتاً میان هنجارهای مختلف، مبادرت به وضع یک سلسله‌مراتب می‌کند. حتی در حقوق داخلی هم، غیرممکن است که پیش‌بینی شود چگونه یک هنجار تازه ایجادشده در تأثیر متقابل با هر کدام از هنجارهای دیگر است. همچنین به دلیل ماهیت کلی و مبهم بسیاری از هنجارهای قانونی که قلمرو اعمال و آثار آنها ممکن است تحت تأثیر جامعه، دستخوش تغییر شود، تعارض می‌تواند بروز کند.^{۱۳}

بنابراین، تعارض نه امری خلاف قاعده در حقوق است و نه همیشه یک تأثیر متقابل برنامه‌ریزی‌شده میان دو خواست و اراده قانون‌گذار است. بلکه در مقابل، تعارض، امری ذاتی در هر سیستم حقوقی است. یک سیستم درصدی تحت پوشش قرار دادن تمامی ابعاد یک مجموعه از طریق وضع شمار محدودی از قواعد کلی می‌باشد. به طور نمونه، اغلب قانون‌گذاران تمایل دارند تا حد امکان، امور زیادی را تحت یک قانون بگنجانند و همین امر، احتمال بروز هم‌پوشانی میان قوانین را بالا می‌برد.^{۱۴} هم‌زمان با توجه به ضعف ذاتی انسان، در مواردی که یک قانون جدید وضع می‌شود، قانون‌گذار نمی‌تواند تمامی امور مربوط به آینده را - که تحت شمول قانون جدید قرار می‌گیرد - پیش‌بینی کند و همین امر، احتمال هم‌پوشانی را بالا می‌برد. دامنه شمول گسترده برخی از هنجارها سبب می‌شود که تعارض میان هنجارها، حتی در پیشرفته‌ترین سیستم‌های حقوقی نیز اجتناب‌ناپذیر باشد.

۱۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توانید رجوع کنید به:

Seyed-Ali Sadat Akhavi, *Methods of Resolving Conflict between Treaties*, Graduate Institute of International Studies (series) (Leiden: Brill Academic Publishers, 2003).

۱۲. برای مطالعه بیشتر می‌توانید رجوع کنید به:

Rudiger Wolfrum, Nele Matz, *Conflicts in International Environmental Law* (Berlin/ London: Springer, 2003).

13. Paulweyn, op.cit., 12.

14. Richard Posner, *Overcoming Law* (Cambridge: Harvard University Press, 1995), 13-14.

مادام که هنجارهای حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار می‌گیرد، تنوع هنجاری به گونه‌ای است که تعارض را به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر به وجود خواهد آورد. بیشترین دلایلی که سبب بروز تعارض در حقوق بین‌الملل می‌شود، مربوط به ماهیت حقوق بین‌الملل می‌شود.^{۱۵}

موضوع تعارض هنجارها در حقوق بین‌الملل به عنوان موضوعی قلمداد می‌شود که در بالاترین سطوح نیز توجه‌ها را به خود معطوف کرده است و به همین خاطر کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۸ می ۲۰۰۸، یک گروه مطالعاتی تحت عنوان «چندپارگی حقوق بین‌الملل» تشکیل داد که به ریاست پروفیسور برنو سیما بود.^{۱۶}

با توجه به ماهیت حقوق بین‌الملل، تعارض به عنوان یک امر انفکاک‌ناپذیر از آن قلمداد می‌شود. برخی از مهمترین دلایل در این زمینه عبارتند از:

۱-۱- کثرت قانون‌گذاران در سطح بین‌المللی

دلیل نخست این است که حقوق بین‌الملل نه یک قانون‌گذار واحد و نه یک قوه مجریه متمرکز دارد. اساساً حقوق بین‌الملل به تعداد کشورها، دارای قانون‌گذار است.^{۱۷} در نتیجه، از آنجایی که هر دولت، سیستم قانون‌گذاری خاص خود را دارد، بنابراین روابط میان دولت‌ها، بستگی زیادی به دولت‌های مورد نظر دارد. بنابراین، برخلاف حقوق داخلی که در روابط میان افراد، قوانین و مقررات لازم‌الاجرا کاملاً بر قراردادهای خصوصی افراد غلبه دارد، در حقوق بین‌الملل، روابط میان دولت‌ها، بستگی زیادی به سیستم‌های حاکم بر هر یک از آنها دارد و این یکی از نتایج فقدان قانون‌گذاری متمرکز و واحد می‌باشد.^{۱۸} این کثرت قانون‌گذاران و

15. Paulweyn, op. cit., 12.

16. Gerhard Hafner, "Risk Ensuing from Fragmentation of International Law," (ILC, Report on the Work of its 52nd session, General Assembly Official Records, 56th session, Supplement No. 10 (A/55/10)), 321-39..

۱۷. واقعیت این است که در حقوق بین‌الملل معاصر، نظام هنجاری حقوق بین‌الملل بشر، با محوریت بخشیدن به فرد، ماهیت وستفالیایی دولت را به شدت تحت تأثیر قرار داده و با محوریت بخشیدن به فرد، به عنوان صاحب حق، دولت تکلیف‌مدار را بنیان نهاده است. از این رو، حقوق بین‌الملل بشر با افزایش دامنه تعهدات مشترک دولت‌ها و ایجاد تعهدات الزام‌آور برای آنها می‌تواند مؤید این مطلب باشد که دولت‌ها باید، تعارض میان قواعد مختلف حقوق بین‌الملل را با برتری دادن به قواعد حقوق بشر حل نمایند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توانید رجوع کنید به: سید محمد قاری سیدفاطمی و مهدی بالوی، «دولت مدرن حق بنیاد»، ویژه‌نامه مجله تحقیقات حقوقی ۷ (۱۳۹۰)، ۲۷۸-۲۷۴.

۱۸. به رغم اهمیت نقش و جایگاه دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، جامعه مدنی بین‌المللی امروزه متأثر از نقش و کارکرد سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از یک جامعه سنتی «دولت‌محور» به جامعه‌ای در تکاپو به سوی

روابط حقوقی، خصوصاً در چارچوب کنونی کثرت سازمان‌های بین‌المللی، بی‌تردید، احتمال بروز تعارض میان هنجارها را بالا می‌برد؛ اما باید توجه داشت که این امر، لزوماً امری نامطلوب و بد نمی‌باشد. با توجه به تنوع منافع و ویژگی‌های بیش از ۱۹۰ دولتی که اکنون وجود دارد، این انتظار می‌رود که روابط حقوقی متعددی نیز شکل بگیرد. به دلیل این تنوع، هنوز وقت آن نرسیده است که حقوق بین‌الملل، متشکل از مجموعه قواعدی شود که توسط برخی قانون‌گذاران جهانی و یا دولت‌ها به وجود آمده و به طور مساوی بر تمام دولت‌ها تحمیل شود. برابری میان دولت‌ها و در نتیجه برابری میان حقوق و قوانین به وجود آمده توسط هریک از آنها، همچنین بی‌طرفی حقوق بین‌الملل (به غیر از قاعده آمره بین‌المللی) در تمامی هنجارهایی که ارزش حقوقی یکسانی دارد، در واقع ارکان اساسی حقوق بین‌الملل جهت ایفای کارکرد دوگانه آن می‌شود. این کارکرد دوگانه عبارتند از:

۱. تضمین برقراری هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان دولت‌ها؛

۲. تحقق همکاری میان دولت‌ها در راستای نیل به اهدافی که میان آنها مشترک است.

با این وجود، بهایی که در حقوق بین‌الملل باید برای این کثرت و تعدد پرداخت نمود، احتمال بروز تعارض میان هنجارها را افزایش می‌دهد. یک نتیجه عملی‌تر اینکه حقوق بین‌الملل اساساً فقط با رضایت دولت‌ها به وجود می‌آید، این می‌شود که بسیاری از هنجارهای حقوق بین‌الملل در ابهام باقی می‌ماند و به طور بالقوه در تعارض با دیگر هنجارها قرار می‌گیرد.^{۱۹}

۱-۲- عامل زمان

علاوه بر اینکه حقوق بین‌الملل توسط دولت‌های متعدد وضع می‌شود که کثرت روابط حقوقی در میان آنها وجود دارد، بلکه حقوق بین‌الملل نیز مانند همه شاخه‌های دیگر حقوق، در بستر زمان دستخوش تغییر می‌شود. این واقعیت که تمامی هنجارهای حقوق بین‌الملل، اساساً از ارزش الزام‌آور بودن یکسان برخوردارند، اهمیت عامل زمان را در حقوق بین‌الملل بیش از حقوق داخلی می‌کند. در نتیجه، بر طبق اصل، قانون مؤخر، اقوی از قانون مقدم است. آنچه حقوق بین‌الملل را متمایز می‌کند این است که حقوق بین‌الملل نه فقط وابسته به رضایت تمام یا برخی از ۱۹۰ کشور نیست، بلکه به علاوه، این دولت‌ها می‌توانند نظر خود را تغییر

آرمان‌های بشری حرکت می‌کند و این تابعان نوظهور در واقع متولیان منفعت عمومی محسوب می‌شوند. نک: شهبازی، پیشین، صص ۶۴-۶۳.

دهند (البته منوط به عدم مغایرت با قواعد آمره و نیز اصل نسبی بودن قراردادها که مقرر می‌کند، عقد بین دو طرف برای ثالث ایجاد حق یا تکلیف نمی‌کند)، بنابراین، احتمال بروز تعارض با توجه به عامل زمان، مضاعف می‌شود: یک هنجار مقدم می‌تواند در تعارض با هنجار مؤخر دیگر قرار گیرد (حتی اگر توسط دولت‌های مشابه ایجاد شده باشد). به طور نمونه، هنجار مقدم ممکن است به عنوان پیش‌زمینه‌های یک هنجار مؤخر، مورد تفسیر و اجرا قرار گیرد.^{۲۰}

البته دلایل متعددی می‌تواند وجود داشته باشد که چرا دولت‌ها ممکن است در طول زمان، نظرات خود را تغییر دهند. نظریه‌های واقع‌گرا، با این دیدگاه مخالف‌اند که دولت‌ها می‌توانند مواضع خود را به دلیل حفظ منافع ملی خود در هر بازه زمانی، تغییر دهند. به دلیل اینکه رئالیست‌ها بر این باورند که مادام که دولت‌ها درصدد دستیابی به قدرت و حفظ آن می‌باشند، از سیستم‌های قانونی حقوق بین‌الملل و هنجارهای به وجودآمده توسط آن، در طول زمان، تبعیت می‌کنند، که ناشی از موازنه منافع دولت‌ها، حفاظت و مطالبات چندجانبه قدرت است.^{۲۱}

دیدگاه‌های لیبرال، در مقابل، این قدر زیاد بر تغییرات مداوم موازنه قدرت میان دولت‌ها تأکید نمی‌کند، اما بر این باورند که دولت‌ها به عنوان نمایندگانی برای جلب منافع ملی خود اقدام می‌کنند و بنابراین، ناگزیر دستخوش تغییرات ناشی از ساختار لیبرال نظام داخلی خود می‌شوند. در نتیجه، هنجارهای بین‌المللی اساساً در نتیجه انقلاب‌های داخلی، در طول زمان تغییر خواهد کرد.

در پایان، ساختارگرایی^{۲۲} می‌افزاید که دولت‌ها می‌توانند نظر خود را همچنین در نتیجه تجربیاتی که در عرصه بین‌المللی کسب می‌کنند، تغییر دهند. منافع ملی دولت‌ها در طول زمان هم تحت تأثیر انتظارات و یافته‌های دولت‌های دیگر است و هم تحت تأثیر نهادها و سازمان‌های بین‌المللی است که به آنها پیوسته‌اند.^{۲۳}

20. Ibid., 14-15.

21. Anne-Marie Slaughter, "International Law in a World of Liberal States," *EJIL* 6(1995): 507.

22. Constructivism.

23. Jutta Brunnée and Stephen Toope, "International Law and Constructivism: Elements of an Interactional Theory of International Law," *Columbia Journal of Transnational Law* 39 (2000): 19; Claire Kelly, "The Value Vacuum: Self-enforcing Regimes and the Dilution of the Normative Feedback Loop," *Michigan Journal of International Law* 23(2001): 673.

۳-۱- کثرت قانونگذاران در سطح داخلی

عامل سوم نیز مربوط به فرایند قانون‌گذاری است. علاوه بر برخی از عوامل که در سطح بین‌المللی امکان بروز تعارض را افزایش می‌دهند، برخی از عوامل داخلی را نیز نباید از نظر دور انگاشت. این واقعیت آشکار است که دولت‌ها - به رغم اینکه بر طبق حقوق بین‌الملل به عنوان تنها عضو و تابع محسوب می‌شوند - در عمل، شماری از بازیگران داخلی نیز در فرایند قانون‌سازی در سطح بین‌المللی حضور پیدا کرده‌اند. حتی اگر برای بیشتر معاهدات، تصویب مجالس قانون‌گذاری لازم باشد، اما این واقعیت همچنان وجود دارد که معاهدات، عموماً توسط اعضای مجلس مورد مذاکره قرار نمی‌گیرد، بلکه توسط دیپلمات‌ها و یا توسط کارگزاران مدنی^{۲۴} مورد مذاکره واقع می‌شود. نمایندگانی که نمایندگی یک دولت را در چارچوب سازمان جهانی تجارت بر عهده دارند، در بسیاری موارد، همان افرادی نمی‌باشند که نمایندگی همان دولت در برنامه عمران ملل متحد^{۲۵}، سازمان جهانی بهداشت^{۲۶} یا سازمان جهانی مالکیت فکری^{۲۷} را بر عهده دارند.^{۲۸}

به علاوه، فراتر از نمایندگان و مأموران مختلف دولت‌ها که در جریان مذاکرات معاهدات مختلف حضور پیدا می‌کنند، اغلب، گروه‌ها و اشخاص خصوصی ذی‌نفع نیز در جریان وضع و تصویب معاهدات مختلف حضور پیدا می‌کنند. در سازمان جهانی تجارت این امر خصوصاً در مورد صاحبان صنایع مختلف مطرح می‌باشد. در برنامه محیط زیست ملل متحد، گروه‌های زیست‌محیطی ذی‌نفع حضور دارند. اکنون دیگر، دولت‌ها به عنوان اعضای منحصر به فرد نهادهای بین‌المللی موجود مطرح نمی‌باشند. بسیاری از تعارضات رایج در میان منافع دولت‌ها، بیش از آنکه بین‌المللی و مربوط به روابط میان دولت‌ها باشد، داخلی و ناشی از ناهمگونی در داخل دولت‌ها می‌باشد. الگوی تعارض در حال گذار^{۲۹} نشان می‌دهد که چگونه گروه‌های داخلی ذی‌نفع، در یک کشور، با گروه‌های ذی‌نفع دیگر در سایر کشورها همکاری می‌کنند تا بتوانند مطالبات خود را بر گروه‌های داخلی رقیب، تحمیل نمایند. واقعیت این است که انواع گروه‌های فشار داخلی، ممکن است در جریان ایجاد قواعد مختلف حقوق بین‌الملل ایفای

24. Civil.

25. United Nations Environment Programme (UNEP).

26. World Health Organization (WHO).

27. World Intellectual Property Organization (WIPO).

28. Paulweyn, op. cit., 15.

29. Transnational.

نقش کنند و همین امر می‌تواند احتمال بروز تعارض میان این قواعد را بالا ببرد؛^{۳۰} بدین ترتیب که هریک از این گروه‌ها تمایل به تمرکز بر منافع خاص خود را دارد، بدون اینکه لزوماً توجهی به منافع گروه‌های داخلی دیگر و قواعد مورد نظر داشته باشد.^{۳۱}

۱-۴- فقدان دادرسی متمرکز

در حقوق بین‌الملل، نه تنها با فقدان یک قانون‌گذار و قوه مجریه متمرکز مواجه هستیم، بلکه ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل نیز متمرکز نمی‌باشد. به علاوه، در حقوق بین‌الملل، یک سیستم رسیدگی قضایی متمرکز با دادرسی اجباری و عمومی وجود ندارد. وجود چنین سیستم قضایی، خصوصاً اگر با یک نظام ضمانت اجرای سازمان‌یافته همراه بود، می‌توانست تا اندازه‌ای فرایند چندجانبه قانون‌سازی بین‌المللی را سامان بخشد. البته، دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن قضایی ملل متحد وجود دارد؛^{۳۲} اما این دیوان فقط در برخی کشورها و در ارتباط با برخی موضوعات خاص، از صلاحیت اجباری برخوردار است. فقدان یک مرجع قضایی بین‌المللی به این معناست که اولاً، در بیشتر موارد، یک مرجع بین‌المللی وجود ندارد که بتوان در مورد روابط حقوقی چندجانبه موجود در حقوق بین‌الملل، نزد آن مبادرت به طرح شکایت کرد. ثانیاً، وجود دادگاه‌های بین‌المللی مختلف، احتمال بروز تعارض را افزایش می‌دهد.^{۳۳} در بدترین حالت ممکن، کثرت مراجع قضایی حتی می‌تواند منجر به این شود که یک مرجع، تعارض هنجاری را به نفع یک هنجار و دادگاه دیگر، به نفع هنجار دیگر، حل نماید.^{۳۴}

۳۰. البته از منظر دیگر، ظهور و مشارکت بازیگران غیردولتی در سیستم حقوق بین‌الملل، تا اندازه‌ای از طریق برتری دادن به برخی از قواعد حقوق بین‌الملل توانسته است به تعارضات موجود پایان دهد، مشارکت این بازیگران غیردولتی دولت‌ها را تحت فشار قرار داده است تا مسائل را به طور کاملاً انفرادی مورد توجه قرار ندهند و مسائل حقوق بشری و زیست‌محیطی را مطابق با تعهدات بنیادین بین‌المللی دنبال کنند. با توجه به اینکه بسیاری از حوزه‌های حقوق بین‌الملل با یکدیگر هم‌پوشانی دارند، حل معضلات مدرن حقوق بین‌الملل نیز نیازمند تأملی عمیق و دقیق در همین تعامل و تقابل است؛ از این رو، تنها ترسیم یک چارچوب کلی و قابل تسری به سایر حوزه‌ها جهت حل تعارض موجود در «وضع قوانین» یا «اجرای قوانین» می‌تواند به نحو مطلوبی به انسجام و هماهنگی سیستم حقوق بین‌الملل منتهی شود. نک: شهبازی، پیشین، ۱۵۳-۱۵۲.

31. Paulweyn, op. cit., 16.

۳۲. ماده ۹۲ منشور ملل متحد

33. Shane Spelliscy, "The Proliferation of International Tribunals: A Chink in the Armor," *Columbia Journal of Transnational Law* 40 (2001): 143.

34. Paulweyn, op.cit., 16-17.

۲- تعریف «تعارض» در دکترین و رویه سازمان‌های بین‌المللی

هنجارها و قواعد حقوق بین‌الملل^{۳۵}، دارای کارکردهای بنیادین در مورد متعهد کردن، ممنوع کردن و مجاز کردن بر مبنای منطق حقوقی می‌باشد. در کنار این هنجارها که غالباً تحت عنوان «هنجارهای رفتاری» مطرح می‌باشند، دسته‌ای دیگر از هنجارها وجود دارند، که اعطاءکننده صلاحیت می‌باشند و تحت عنوان «هنجارهای صلاحیت» از آنها یاد می‌شود. در دکترین و رویه سازمان‌های بین‌المللی هنوز این موضوع جای بحث و بررسی دارد که مفهوم تعارض میان قواعد در حقوق بین‌الملل، ناظر بر کدامیک از این هنجارها می‌باشد. یکی از آثار و تبعات تبیین این مسئله این است که اگر یکی از این دسته هنجارها از مفهوم تعارض مستثنا شود، اصول و شیوه‌های به رسمیت شناخته‌شده ناظر بر حل تعارض نظیر «قاعده خاص مخصوص عام» و یا «تقدم قاعده مؤخر بر قاعده مقدم» دیگر به کار نمی‌آید. سؤال اساسی این است که آیا تعریف تعارض باید فقط تعارضات میان تعهدات و ممنوعیت‌ها را تحت پوشش قرار دهد - که دیدگاه غالب در حقوق بین‌الملل نیز همین است - یا اینکه این تعریف به تعهدات، ممنوعیت‌ها و موارد مجاز نیز تسری می‌یابد. این موضوع در رویه سازمان جهانی تجارت مورد توجه قرار گرفته است. نکته حائز اهمیت این است که در رویه قضایی سازمان جهانی تجارت و دکترین حقوقی تاکنون به موضوع تعارض میان هنجارهای اعطاءکننده صلاحیت پرداخته نشده است.^{۳۶} با این همه، رویه سازمان‌های بین‌المللی و دکترین مطرح‌شده در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی به عنوان یکی از منابع قابل اتکاء در ارتباط با تعریف تعارض محسوب می‌شود.

۲-۱- تعریف مضیق رایج از مفهوم تعارض

تعریف مضیق کلاسیک تعارض که هنوز هم در حقوق بین‌الملل عمومی غلبه دارد، اولین بار توسط ویلفر جنکز در نوشتار وی در تعارض معاهدات قانون‌ساز در سال ۱۹۵۳ مطرح شد. بر طبق این تعریف، یک تعارض در مفهوم مضیق آن فقط در جایی به وجود می‌آید که یک

۳۵. در موضوع «تعارض هنجاری» آنچه مبنای توجه می‌باشد، هنجارها و قواعدی است که به لحاظ قانونی الزام‌آور می‌باشند. بنابراین باید توجه داشت که هنجارهای غیرالزام‌آور و هنجارهای حقوق نرم اساساً از موضوع تعارض هنجاری به معنای اخص کلمه خارج است. با این همه، قواعد مذکور در تفسیر معاهدات که می‌تواند منجر به حل تعارض میان قواعد الزام‌آور شود، از کارایی برخوردار است. نک: Pauwelyn, op.cit., 6-7.

36. Erich Vranes, "The Definitions of 'Norms Conflict' in International Law and Legal Theory," *European Journal of International Law* 17(2) (2006): 398-399.

طرف از دو معاهده نتواند همزمان از عهده ایفای تعهدات خود بر طبق این دو معاهده برآید. این تعریف کلاسیک مضیق از تعارض در حقوق بین‌الملل عمومی توانسته است رویه قضایی سازمان جهانی تجارت را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

۲-۱-۱- نتایج عملی تعریف مضیق

نتیجه عملی این تعریف مضیق این است که اغلب به نفع جدی‌ترین و سخت‌ترین تعهدات می‌باشد. به طور مثال، نتیجه عملی این دیدگاه، این می‌شود که در زمینه تجارت و محیط زیست، در جایی که موافقتنامه‌های زیست‌محیطی چندجانبه، استفاده از محدودیت‌های تجاری را مجاز می‌داند (ولی تعهد ایجاد نمی‌کند)، در حالی که این محدودیت‌ها توسط گات ممنوع شده‌اند، در اینجا با تعارض به معنای اخص آن مواجه نمی‌باشیم. یکی از نتایج معضل‌آفرین این دیدگاه آن است که اصول ناظر بر حل تعارض مانند «قاعده خاص مخصوص عام» و «قاعده مؤخر مخصوص قاعده مقدم» نمی‌تواند در حل تعارض به کار آید، حتی اگر محرز شود که موافقتنامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی به لحاظ زمانی مؤخر بوده‌اند.^{۳۷}

۲-۱-۲- ارزیابی منتقدانه تعریف مضیق «تعارض»

اندیشمندان، انتقادات جدی بر تعریف مضیق تعارض وارد کرده‌اند. یکی از انتقادات وارده این است که واقعیت‌های عملی نشان می‌دهد که دولت‌ها ممکن است از طریق ایجاد موارد مجاز برای خود از طریق ایفای تعهدات موجود خود استنکاف ورزند. معضل دیگر این است که این تعریف منطبق با دیدگاه رایج در دکترین حقوقی و سیستم‌های قانونی داخلی نمی‌باشد. اگر کسی بخواهد به قواعد حل تعارض نظیر «قاعده خاص مخصوص قاعده عام» و «قاعده مؤخر مخصوص قاعده مقدم» به عنوان ابزارهایی برای احراز قصد احتمالی طرف‌های معاهده برمبنای فاکتورهای عینی (زمان و خاص بودن) استفاده کند، دشوار به نظر می‌رسد که بتوان در مورد تعارضات میان موارد مجاز و تعهدات، تعارض میان موارد مجاز و ممنوعیت‌ها از جهت اصول حاکم بر حل تعارض، تفکیک قائل شد. این امر یکی از آثار اولیه ناشی از مستثنا نمودن برخی از موارد از مفهوم تعارض می‌باشد. تعریف مضیق، مغایر با این اصل اساسی است که هنجارها نباید به گونه‌ای تفسیر شوند که منجر به از دست دادن کارایی آنها شود. یکی از دلایل طرفداران تعریف مضیق این است که اتخاذ شیوه‌ای مبتنی بر تفسیر مؤثر و کارآمد باید جایگزین توسعه مفهوم تعارض شود. در پاسخ به این استدلال اذعان شده است

که «تفسیر مؤثر» به مثابه یک شمشیر دولبه است، با استفاده از این اصل، هم می‌توان دلایلی مبتنی بر لزوم ارائه یک تفسیر مضیق از دو هنجار معارض ارائه نمود و هم می‌توان لزوم ارائه یک تفسیر موسّع را توجیه نمود. بنابراین، صحت استناد به اصل تفسیر مؤثر به عنوان یک ابزار کافی برای ممانعت از بروز تعارض، با تردید جدی مواجه است.^{۳۸}

۲-۲- یک تعریف مناسب: تعریف موسّع با تأکید بر نقض هنجارها

در گزارش گروه مطالعاتی کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد چندپارگی حقوق بین‌الملل، تعریف موسّع از مفهوم تعارض مطرح گردید.^{۳۹} ارائه یک تعریف موسّع از تعارض از سوی برخی از اندیشمندان مورد تأکید قرار گرفته است. در حقوقدانان متأخر می‌توان به پاولین اشاره نمود، که ضمن نقد کردن تعریف مضیق کلاسیک تعارض، اذعان می‌کند که «تعارض میان هنجارها در وضعیتی به وجود می‌آید که یک هنجار منجر به نقض و یا احتمال نقض هنجار دیگر می‌شود.» هدف از ارائه این تعریف موسّع با تأکید بر نقض هنجارها، تحت پوشش قرار دادن همه تعارضات میان نرم‌ها و تعهدات مجاز می‌باشد. بر طبق این تعریف، تعارض میان تعهدات سازمانی در صورتی به وجود می‌آید که با اجرای یک نرم و یا هنجار، هنجار دیگر، لزوماً و یا احتمالاً نقض می‌گردد.^{۴۰}

۲-۳- ارزیابی تعاریف بر مبنای رویه سازمان جهانی تجارت

تاکنون در رویه سازمان جهانی تجارت، هر دو شیوه تفسیر از مفهوم «تعارض» کاربرد داشته است. در دو قضیه که در سازمان جهانی تجارت مطرح شده است، برخی از معضلات ناشی از ارائه یک تعریف مضیق از مفهوم «تعارض» در عمل، نمود پیدا کرده است.^{۴۱}

۲-۳-۱- قضیه Indonesia-Automobiles

در قضیه Indonesia-Automobiles، یک شکایت علیه دولت اندونزی در خصوص رفتار ملی بر طبق مفاد ماده ۳ گات مطرح گردید. دولت اندونزی وقتی در دفاع از خود، به حقوق خاص خود به عنوان یک کشور در حال توسعه بر طبق موافقتنامه سازمان جهانی تجارت در

38. Ibid., 403-405.

۳۹. هولگر هستر میر، حقوق بشر و سازمان جهانی تجارت، ترجمه و تحقیق هاله حسینی اکبرنژاد و حوریه

حسینی اکبرنژاد (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹)، ۲۸۲.

40. Vranes, op.cit., 406-414.

۴۱. هستر میر، پیشین، ۲۸۲.

مورد کمک‌های مالی و اقدامات موازنه برقرارکننده^{۴۲} (SCM) استناد نمود که بر طبق آن، به طور موقت اتخاذ حمایت‌های مالی معین مجاز می‌باشد. هیئت رسیدگی‌کننده به تعریف مضیق تعارض بر طبق حقوق بین‌الملل استناد نمود. هیئت رسیدگی‌کننده در این قضیه ادعان نمود که در حقوق بین‌الملل در صورتی تعارض میان دو معاهده به وجود می‌آید که مفاد آنها در تعارض با یکدیگر باشند. به این معنا که مفاد آنها باید تعهدات انحصاری چندجانبه تحمیل نمایند. از منظر تکنیکی، تعارض زمانی وجود دارد که دو سند معاهده‌ای و یا بیشتر، مشتمل بر تعهداتی باشند که نتوانند به طور همزمان و توأمان با یکدیگر، مورد تبعیت قرار گیرند. بنابراین، هیئت رسیدگی‌کننده فقط اعلام نمود که تعارض در وضعیتی به وجود می‌آید که تعهدات انحصاری چندجانبه وجود داشته باشد و امکان بروز تعارض میان اختیارات و وظایف صریح را منتفی دانست. نتیجه عملی این قضیه این بود که هیئت رسیدگی‌کننده حتی این مسئله را بررسی ننمود که آیا نرم‌های مجاز که توسط اندونزی مورد استناد قرار گرفته بود، می‌توانست به عنوان قاعده خاص، تفوق و برتری داشته باشد. به عبارت دیگر، در واقع ارائه تعریف مضیق از مفهوم «تعارض» نتایج این اختلاف را تحت‌الشعاع قرار داد و هیئت رسیدگی‌کننده بر همین مبنا از مورد توجه قرار دادن حقوق دولت اندونزی به عنوان یک کشور در حال توسعه بر طبق موافقتنامه (SCM) که در تعارض آشکار با مفاد ضمیمه الف - ۱ موافقتنامه سازمان جهانی تجارت بود، امتناع ورزید، به دلیل اینکه از شمول تعریف تعارض خارج بود.^{۴۳}

۲-۳-۲- قضیه Turkey- Textiles

مورد دوم در ارتباط با گزارش هیئت رسیدگی‌کننده در سال ۱۹۹۹ در مورد قضیه Turkey- Textiles می‌باشد. در این قضیه، دولت هند، محدودیت‌های کمی تحمیل‌شده از سوی دولت ترکیه را در مورد منسوجات و البسه هندی به دلیل برقراری برخی مناسبات میان ترکیه و جامعه اروپا مورد اعتراض قرار داد. دولت ترکیه ادعا کرد که این محدودیت‌های کمی، مفاد گات و موافقتنامه سازمان جهانی تجارت در مورد منسوجات و البسه را نقض نمی‌کند، زیرا بر طبق قواعد گات در مورد موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای، قابل توجیه می‌باشد. از منظر دولت ترکیه این اقدام به عنوان یک قاعده خاص برای حقوق و تعهدات اعضای سازمان جهانی تجارت در زمان وضع یک عوارض گمرکی واحد محسوب می‌شود. در بررسی این

42. WTO Agreement on Subsidies and Countervailing Measures (SCM Agreement).

43. Vranes, op.cit., 399-400.

دفاع، هیئت رسیدگی‌کننده نیز با استناد به تعریف مضیق تعارض، اذعان نمود در صورتی که تعهدات یک سند، مضیق‌تر و نه معارض با تعهدات سند دیگر باشد و یا اینکه در زمانی که این امکان وجود دارد که تعهدات یک سند را با امتناع از اعمال یک امتیاز و یا صلاحدید بر طبق سند دیگر ایفاء نمود، هیچ تعارضی وجود ندارد. به رغم اینکه این تعریف، بروز تعارض در چنین مواردی را مورد انکار قرار می‌داد، اما با این همه، هیئت رسیدگی‌کننده این مسئله را بررسی نمود که آیا مفاد گات و موافقتنامه در مورد البسه و منسوجات در تعارض با یکدیگر می‌باشند. پس از بررسی طولانی، هیئت رسیدگی‌کننده نتیجه گرفت که این ماده (XXIV) اجازه استنکاف از تعهدات مربوطه را بر طبق گات و موافقتنامه در مورد منسوجات و البسه نمی‌دهد. واضح است که در رویه اتخاذشده توسط هیئت رسیدگی‌کننده کاملاً تعارض به چشم می‌خورد.^{۴۴}

۲-۳-۳- قضیه EC- Bananas

در قضیه EC- Bananas، هیئت رسیدگی‌کننده، مبادرت به ارائه یک تفسیر موسع از مفهوم «تعارض» نمود. در این قضیه هیئت رسیدگی‌کننده اذعان نمود که تعارض دربرگیرنده وضعیتی است که آنچه را که مفاد یک موافقتنامه منع می‌کند، در موافقتنامه دیگر، صراحتاً اجازه داده شود.^{۴۵}

۳- انواع تعارض

موضوع تعارض ماهوی میان قواعد در حقوق بین‌الملل یا به عبارت دیگر تعارض هنجاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به منظور تبیین بیشتر موضوع، اندیشمندان از جنبه‌های مختلف مبادرت به طبقه‌بندی تعارض نموده‌اند. طبقه‌بندی نخست، بر مبنای منابع و دیگری، انواع تعارض در نظام‌های حقوقی است.

تعارض ممکن است میان قواعد همه منابع حقوق بین‌الملل عمومی بروز کند. یک اصل کلی حقوق بین‌الملل می‌تواند در تعارض با یک قاعده معاهده‌ای باشد. همچنین تعارض می‌تواند میان معاهدات دوجانبه که طرف‌های یکسان دارند، به وجود آید (به طور نمونه قرارداد (۱) میان الف و ب و قرارداد (۲) میان الف و ب، یا اینکه ممکن است طرف‌های دو معاهده لزوماً یکسان نباشد (الف - ب؛ ب - ج). پیچیده‌ترین مسائل مربوط به معاهدات

44. Ibid., 400-401.

۴۵. هستر میر، پیشین، ۲۸۲.

چندجانبه است، به طور نمونه می‌توان به موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت و اسناد حقوق بشری اشاره نمود.

می‌بایست میان تعارض هنجاری و تعارض نظام‌ها تفکیک قائل شد. تعارض میان نظام‌ها تحت عنوان «تعارض سیستماتیک» مطرح می‌باشد. در عمل، ممکن است تفکیک میان تعارض هنجاری و تعارض سیستماتیک دشوار باشد. با این همه، تعارض سیستماتیک ناشی از مغایرت میان اصول بنیادین یا اهداف کلی دو نظام است. و صرفاً موضوع تعارض میان هنجارها مطرح نیست. در نظام‌های حقوقی این امر پذیرفته شده است که مکانیسم‌های مغایر یا هماهنگ می‌بایست تا حد امکان در کل اهداف یکدیگر را به رسمیت بشناسند.^{۴۶}

تعارض میان موافقتنامه تریپس و دسترسی به دارو می‌تواند صرفاً یک تعارض میان قواعد قلمداد گردد یا اینکه تعارض میان نظام سازمان جهانی تجارت و نظام حقوق بشر باشد. البته به نظر می‌رسد که حقوق سازمان جهانی تجارت در تعارض سیستماتیک با نظام حقوق بشری نمی‌باشد. به این ترتیب زمینه‌های بروز تعارض میان نظام‌ها متعدد است.

بنابر آنچه پیشتر بیان شد، پدیده تمرکززدایی از قانون‌گذاری در حقوق بین‌الملل و چندپارگی حقوق بین‌الملل به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر مطرح می‌باشد. اکنون می‌بایست این پدیده به طور عمیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد. حقوق بین‌الملل کلاسیک که غالباً به عنوان حقوق ناشی از هم‌زیستی شناخته می‌شود و روابط در آن به طور عمده دوجانبه بوده و تعارض‌های هنجاری منطبق با الگوی دوطرفه است.

حرکت به سمت ایجاد یک جامعه جهانی سبب بروز دگرگونی شگرفی در عرصه بین‌المللی شده که تاکنون نیز سامان نیافته است. خصوصاً سخن از ضرورت ایجاد یک سلسله‌مراتب در نظام هنجاری حقوق بین‌الملل که تعهدات عام‌الشمول و قواعد آمره در رأس آن باشد، تحولی نوین قلمداد می‌شود. اما اثر دیگری که ارزش‌گذاری هنجارهای جامعه بین‌المللی می‌تواند در پی داشته باشد این است که منجر به نهادینه کردن نظام‌های حقوقی بین‌المللی می‌گردد و در نتیجه به طور دوفاکتو یک سلسله‌مراتب میان نظام‌ها ایجاد می‌شود که کاملاً منفک از سلسله‌مراتب هنجاری می‌باشد.

46. R Wolfrum, "Coordination among Multilateral Agreement through Treaty Provisions," in *International Governance for Environment and Sustainable Development*, Goettingen Workshop 10 – 11 December 2001 in Goettingen, Germany, eds. P – T Stoll and B Berger (eds) (2001), 19.

۴- افزایش بروز تعارض میان قواعد در پرتو توسعه حقوق بین‌الملل

اگرچه تعارض میان هنجارهای بین‌المللی، ذاتی و انفکاک‌ناپذیر از سیستم حقوق بین‌الملل می‌باشد و مادام که حقوق بین‌الملل به عنوان یک سیستم حقوقی وجود دارد، تعارض میان قواعد نیز وجود خواهد داشت؛ لیکن در پرتو توسعه و تحول حقوق بین‌الملل معاصر که داعیه‌دار انتقال از حقوق مبتنی بر هم‌زیستی به حقوق مبتنی بر همکاری میان دولت‌هاست، امکان بروز تعارض بیش از پیش مطرح می‌باشد و بر اهمیت این موضوع افزوده شده است. در سال ۱۹۷۶، اکهرست اذعان نمود: «معضل سلسله‌مراتب منابع حقوق بین‌الملل، به ندرت در عمل منجر به بروز مشکلاتی خواهد شد، اما هیچ تضمینی وجود ندارد که وضع به همین منوال پیش رود»^{۴۷}

امروزه، «انسانی‌تر شدن» قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل، خواسته جامعه حقوقی بر مجازات مرتکبان «جنايات بین‌الملل»، «تورم هنجاری» حقوق بین‌الملل بشر و مانند اینها نشان از تأیید مشترک «جامعه بین‌المللی» مبنی بر ایجاد باور به «ارزش‌های مشترک» دارد؛^{۴۸} با این حال، از آنجایی که جامعه حقوقی بین‌المللی هنوز به طور کامل و به نحو قانع‌کننده‌ای از بعد سازوکارهای اجرایی در راستای حمایت از ارزش‌های متعالی و بنیادین خود توسعه نیافته است و اغلب این خود دولت‌ها هستند که به طور فردی، موظف به برداشتن گام‌های لازم در اعمال اقدامات مقتضی و پاسداری از این ارزش‌ها می‌باشند، به سختی می‌توان تحقق یک جامعه بین‌المللی در عالم واقعیت حقوق بین‌الملل را نوید داد.^{۴۹}

لیکن در حیطه عمل، شیوه‌های حل تعارض میان هنجارها و قواعد حقوق بین‌الملل، هنوز هم با ابهامات جدی مواجه است.

۴-۱- انتقال از حقوق مبتنی بر هم‌زیستی به حقوق مبتنی بر همکاری

حقوق بین‌الملل شاهد یک انتقال از حقوق مبتنی بر هم‌زیستی میان دولت‌های حاکمه - که مشتمل بر موضوعاتی نظیر حاکمیت سرزمینی، روابط دیپلماتیک، حقوق بر جنگ و معاهدات صلح بود - به حقوقی است که همچنین درصدد قانونمند کردن همکاری میان دولت‌ها در راستای نیل به اهداف مشترک از طریق سازمان‌های بین‌المللی تجاری، زیست‌محیطی و

47. Michael Akehurst, "The Hierarchy of the Sources of International Law," *BYIL* 47(1974-5): 273.

۴۸. شهبازی، پیشین، ۵۹-۵۸.

۴۹. همان، ۱۰۲-۱۰۱.

حقوق بشری می‌باشد. این تحولات که امکان همکاری عمیق‌تر میان دولت‌ها را فراهم می‌کند، به ویژه با پایان یافتن جنگ سرد، بسیار گسترش یافت.^{۵۰}

این انتقال، قبل از هر چیز سبب افزایش چشمگیر در تعداد هنجارهای موجود در حقوق بین‌الملل شده است. بنابراین، امکان بروز تعارض میان این هنجارها نیز افزایش می‌یابد. از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۷، شمار معاهدات بین‌المللی بیش از سه برابر شده است و تعداد آنها بالغ بر ۱۵۰۰ معاهده چندجانبه در سال ۱۹۹۵ می‌باشد.^{۵۱} افزایش شمار هنجارهای معاهده‌ای خاص نیز معضل تعارض بالقوه میان حقوق بین‌الملل عرفی و هنجارهای معاهده‌ای نوظهور را تقویت می‌کند. به طور نمونه در قضیه پینوشه^{۵۲} که در دادگاه داخلی و قضیه *Al-Adsani* که در دیوان اروپایی حقوق بشر^{۵۳} مطرح شد^{۵۴}، روابط میان معاهدات خاص که شکنجه را منع می‌کند و قواعد عرفی در مورد مصونیت دولت مورد بررسی قرار گرفت.^{۵۵} گرایش نظام حقوق بین‌الملل معاصر به صیانت هرچه بیشتر از حقوق بشر و پایان بخشیدن به نقض‌های شدید و نظام‌مند حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از سوی مقامات بلندپایه کشوری و لشکری دولت‌هاست.^{۵۶} بی‌تردید، وقوع جنایات بین‌المللی، منافع کل جامعه بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ در واقع این ماهیت و سرشت جنایات بین‌المللی است که به اعضای جامعه بین‌المللی صلاحیت جهانی تعقیب و مجازات مرتکبان را اعطاء می‌کند.^{۵۷}

50. Gerhard Hafner, "Risk Ensuing from Fragmentation of International Law," (ILC, Report on the Work of its 52nd session, General Assembly Official Records, 56th session, Supplement No. 10, A/55/10), 321; Michael Reisman, "International Law after the Cold War," *American Journal of International Law* 84(1990): 859.

51. José Alvarez, "The New Treaty Makers," *Boston College International and Comparative Law Journal* 25 (2002): 216.

52. *Regina v. Bow Street Metropolitan Stipendiary Magistrate and Others, ex parte Pinochet Ugarte* (No. 3), judgment by the House of Lords of 24 March 1999 [2000] AC, 147.

۵۳. رویه دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان یک نهاد نظارتی منطقه‌ای در زمینه حقوق بشر، دارای تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر اصلاح قوانین و ایجاد هماهنگی بیشتر میان قوانین کشورهای اروپایی در زمینه‌های مختلف و در نتیجه جلوگیری از بروز تعارض میان هنجارها بوده است. نک: محمدحسین زارعی، «مروری بر قانون حقوق بشر ۱۹۹۸ انگلستان»، *سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی* ۴ (۱۳۸۷)، ۶۶-۷۲.

54. ECHR, *Al-Adsani v. The United Kingdom*, 21 November 2001.

55. Paulweyn, op. cit., 17-18.

۵۶. محسن عبداللهی، «مصونیت کیفری سران دولت در حقوق بین‌الملل: از مصونیت مطلق تا حکم جلب عمر

البشیر»، *سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی* ۴ (۱۳۸۷)، ۸۵.

۵۷. سید قاسم زمانی، «راهکار تعقیب متهمان به جنایات بین‌المللی در غزه بر اساس گزارش گلدستون:

صلاحیت جهانی»، *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۱۵ (۱۳۸۸)، ۱۰۷.

به علاوه، حقوق بین‌الملل سستی که مبتنی بر هم‌زیستی میان دولت‌ها بود، مشتمل بر هزاران موافقتنامه دوجانبه بود و تعارض، نوعاً در قالب تعهدات معارض برای یک دولت در مقابل دو یا چند دولت دیگر مطرح بود.^{۵۸} بر طبق حقوق بین‌الملل معاصر که مبتنی بر همکاری است، و تعداد معاهدات چندجانبه افزایش زیادی داشته است، اشکال مختلف تعارض میان هنجارها و قواعد نیز بیش از پیش ظهور و بروز پیدا کرده است. امروزه، تعارض میان هنجارهای مختلف که مبتنی بر سیستم‌های ناشی از معاهدات مختلف می‌باشند، به عنوان یکی از چالش‌های حقوق بین‌الملل مطرح است.^{۵۹}

علاوه بر تعارض میان قواعد دو نظام حقوقی متفاوت، اکنون شاهد بروز تعارض میان قواعد و هنجارهای یک نظام حقوقی می‌باشیم. به طور نمونه تعارض ممکن است میان دو قاعده از حقوق بین‌الملل عمومی یا دو هنجار از قواعد سازمان جهانی تجارت به وجود آید. در حقوق بین‌الملل معاصر که در حال گذار به سوی حقوقی می‌باشد که هم مبتنی بر هم‌زیستی و هم مبتنی بر همکاری است، امکان بروز تعارض میان قواعد و هنجارها بیش از پیش وجود دارد. بنا به اذعان برخی از حقوقدانان، اکنون در حقوق بین‌الملل، تعارض میان معاهدات قانون‌ساز امری انکارناپذیر است و باید در مواجهه با آن جوانب احتیاط را رعایت نمود، اگرچه مراجع بین‌المللی و حقوقدانان این وظیفه را دارند که حداکثر تلاش خود را جهت اعمال فشار بر دولت‌ها به منظور کاهش میزان این تعارضات به کار گیرند، لیکن نباید از نظر دور داشت که یکی از تبعات اجتناب‌ناپذیر توسعه و تحول حقوق بین‌الملل، بروز چنین تعارضاتی است.^{۶۰}

۵۸. به طور نمونه می‌توان به موافقتنامه‌های متعدد صلح، بی‌طرفی، همکاری چندجانبه اشاره نمود. در این نوع تعارض که از آن به عنوان تعارض «الف - ب با الف - ج» یاد می‌کنیم، کشور «الف» یک دولت است که دارای تعهدات معارض در مقابل «ب» و «ج» می‌باشد. این نوع تعارض را می‌توان با تعارض میان دو قرارداد که توسط یک نفر (الف) با دو نفر دیگر (ب و ج) بر طبق حقوق داخلی منعقد کرده، مقایسه کرد. نک:

Paulweyn, op.cit., 18.

۵۹. به طور نمونه می‌توان به تعارض میان قواعد سازمان جهانی تجارت با قواعد یک کنوانسیون زیست‌محیطی اشاره نمود. در این مثال، هر دو هنجار معارض، برای دولت‌ها الزام‌آور می‌باشد. این در حالی است که دولت «الف» با توجه به منافع خود به یک هنجار و دولت «ب» نیز با توجه به منافع خود به هنجار دیگر استناد می‌کند. در اینجا هر دو دولت به معاهدات الزام‌آور ملحق شده‌اند که دربرگیرنده قواعد معارض با یکدیگر می‌باشد و این امری است که حتی در بهترین نظام‌های حقوقی داخلی نیز ممکن است، به وقوع بپیوندد، زیرا در بسیاری موارد دو قانونگذار داخلی متفاوت، مبادرت به تصویب معاهدات مختلف می‌کنند. نک:

Ibid, 18-19.

60. Ibid., 19.

۴-۲- جهانی‌سازی

دلیل دیگر در خصوص امکان بروز تعارض میان قواعد در حقوق بین‌الملل معاصر - که مبتنی بر همکاری میان دولت‌هاست - مربوط به معضلات ناشی از جهانی‌سازی^{۶۱} می‌باشد. حفاظت از محیط زیست، حمایت از حقوق بشر و ترغیب به توسعه اقتصادی از جمله عواملی است که روز به روز بر میزان وابستگی متقابل میان دولت‌ها و نیز وابستگی متقابل میان زمینه‌های قانون‌گذاری و وضع مقررات می‌افزاید و همین امر، احتمال بروز تعارض میان هنجارها و قواعد حقوق بین‌الملل در زمینه‌های مختلف را ایجاب می‌نماید.^{۶۲}

جهانی شدن، متضمن روندی از دگرگونی و عبور از مرزهای سیاست و اقتصاد است؛ به طوری که علم، فرهنگ و حتی سبک زندگی بشر را دربر می‌گیرد. از این رو جهانی شدن را می‌توان پدیده‌ای چندبعدی دانست که به اشکال مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، نظامی، تکنولوژی و محیط زیست تسری می‌یابد.^{۶۳}

به طور نمونه در جهان امروز که همه چیز به یکدیگر وابسته است و مقررات داخلی کشورها به طور مستقیم و غیرمستقیم، مرتبط با موضوع تجارت است، قواعد سازمان جهانی تجارت که داعیه آزادسازی تجارت را دارد، این قابلیت را دارد که در تعارض با قواعد دیگر باشد؛ آزادسازی تجارت در مواردی در تعارض با حقوق بشر و حقوق محیط زیست قرار می‌گیرد.^{۶۴} همچنین در مقابل، در مواردی تضمین احترام به حقوق بشر و حقوق محیط زیست

۶۱. برخی از حقوق‌دانان، «جهانی شدن» را به جهانی شدن اقتصاد و جهانی شدن حقوق بشر تقسیم می‌کنند. دلماس مارتی معتقد است اساساً جهانی شدن از «حقوق بشر» آغاز می‌شود. دو مرحله اساسی و مهم در فرایند کنونی جهانی شدن با ابزار حقوق بین‌الملل عبارتند از: مرحله نخست، کشف، شناسایی و جمع‌آوری هنجارها و قواعد جهانی که بتواند قابلیت پذیرش بین‌المللی و جهانی داشته باشد. مرحله دوم جهانی شدن حقوق، گسترش هنجارهای بین‌المللی است. نک: محمود جلالی، امیر مقامی، «کارکرد حقوق بین‌الملل در فرایند جهانی شدن»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران) ۴۱ (۳) (۱۳۹۰)، ۹۹-۱۰۹.

62. José Alvarez, "The New Treaty Makers," *Boston College International and Comparative Law Journal* 25 (2002): 217.

۶۳. مصطفی ماندگار، «جستاری در جهانی شدن و تحول در قراردادهای انتقال تکنولوژی»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران) ۴۱ (۳) (۱۳۹۰)، ۲۹۹.

۶۴. گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۰۰، تصویری جدید از رابطه حقوق بشر و حقوق محیط زیست و لزوم حفاظت از آن ارائه نمود. در این گزارش رابطه بین حقوق بشر و حقوق محیط زیست یک رابطه درونی و دینامیک توصیف شده است. در چارچوب این گزارش تخریب محیط زیست، تجاوز به حقوق انسانی تلقی شده، و فقر و توسعه‌نیافتگی نیز از جمله عوامل مؤثر بر تخریب محیط زیست دانسته شده، که نقض حقوق بشر را به دنبال دارد. رک: محمدعلی بصیری، داود نجفی، «حقوق بشر و اخلاق زیست‌محیطی»، حقوق بشر ۴ (۲) (۱۳۸۸)، ۷۵-۷۴.

ممکن است منجر به اعمال محدودیت‌های تجاری برای دولت‌ها شود.^{۶۵} با این همه، امکان بروز تعارض میان قواعد سازمان جهانی تجارت با سایر قواعد حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر و حقوق محیط زیست بسیار زیاد است.^{۶۶} از این رو سعی شده است خصوصاً در چند دهه اخیر، راهکارهایی به منظور حل تعارضات موجود میان قواعد سازمان جهانی تجارت و سایر قواعد از جمله حقوق بین‌الملل محیط زیست اندیشیده شود.^{۶۷}

۴-۳- ایجاد سلسله‌مراتب میان ارزش‌ها

پیدایش مفهوم «قواعد آمره» در نیمه دوم قرن بیستم، حاکی از آن است که تمامی قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل از جایگاه یکسانی برخوردار نمی‌باشند. برخی از این قواعد، از ارزش‌های مهم و جهانی حمایت می‌کند، به طور نمونه می‌توان به منع ژنوسید اشاره کرد. از این رو، در میان قواعد و هنجارها، نوعی سلسله‌مراتب وجود دارد و برخی برتر از سایر قواعد می‌باشند.

همچنین در میان قواعد حقوق بشر نیز یک سلسله‌مراتب هنجاری وجود دارد که بر طبق آن برخی از قواعد حقوق بشر، تحت عنوان «حقوق غیر قابل تعلیق» می‌باشند که دولت‌ها تحت هیچ شرایط مجاز به تعلیق این قواعد نمی‌باشند.^{۶۸} بر طبق حقوق بین‌الملل عرفی، چنانچه حقوق بشر، اعتباری جهانی داشته باشد، نمی‌توان آن را به حالت تعلیق درآورد یا از اعتبار ساقط کرد. جامعه بین‌المللی بر این راه‌حل تا آنجا اقبال کرده است که تخطی از این قبیل حقوق را، حتی در آنجا که خطر عمومی استثنایی، موجودیت ملت را تهدید کند، جایز

۶۵. به طور نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

The Disputes on United States -- Measures Affecting Government Procurement, WT/DS88 and 95 (involving US Trade Sanctions against Myanmar); and United States -- The Cuban Liberty and Democratic Solidarity Act, WT/DS38 (Involving US Trade Sanctions against Cuba).

66. Paulweyn, op.cit., 20.

۶۷. برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توانید رجوع کنید به: محمدجعفر قنبری جهرمی، زهرا محمودی کردی، «نقش اقدامات مبتنی بر روش‌ها و فرایندهای تولید غیرمرتبط با محصول (NPRPPMs) در حفاظت از محیط زیست جهانی و موانع اعمال آنها در WTO»، مجله تحقیقات حقوقی ۸ (۱۳۹۱)، ۳۴۹-۳۸۴.

68. Ian Siederman, *Hierarchy in International Law - The Human Rights Dimension* (Antwerp: Intersentia, 2001), 66-84.

ندانسته است.^{۶۹} بند یک ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برخی از حقوق غیر قابل تعلیق را برشمرده است؛ از جمله می‌توان به حق حیات یا منع شکنجه اشاره نمود.^{۷۰} آشکار است که سلسله‌مراتب میان هنجارهای حقوق بشر در برخی از معاهدات حقوق بشری مورد تصریح قرار گرفته است،^{۷۱} با این همه، وجود این سلسله‌مراتب در میان قواعد حقوق بشری خود می‌تواند حاکی از تمایل دولت‌ها جهت ایجاد سلسله‌مراتب هنجاری میان دیگر قواعد حقوق بین‌الملل باشد.^{۷۲}

این تغییر رویکرد به سمت ایجاد یک سلسله‌مراتب هنجاری میان قواعد، و به رسمیت شناختن برتری برخی از قواعد در مقایسه با سایر قواعد، مبتنی بر ماهیت و محتوای قواعدی است که در مقایسه با سایر قواعد، از اهمیت بیشتری برخوردارند. زیرا، به طور مثال قواعد آمره از چنان اهمیتی برای جامعه بین‌المللی برخوردار است که دولت‌ها قادر نیستند حتی با رضایت و توافق جمعی خود برخلاف آن اقدام نمایند.^{۷۳}

۶۹. هدایت‌الله فلسفی، «توالی معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، همبودی و تعارض تعهدات دولت‌ها»، *سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی* ۱ (۱۳۸۴)، ۱۱.

۷۰. قانون منع حجاب در مدارس برخی از کشورهای اروپایی و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در این زمینه نیز به عنوان یکی چالش‌برانگیزترین مصادیق تعارض میان حقوق بشر مورد توجه قرار می‌گیرد، که با مخالفت‌های جدی از سوی مسلمانان جهان مواجه شده است. گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد آزادی مذهب و عقیده، در گزارش انتقادبرانگیز خود خاطرنشان کرد که با توجه به اینکه در چنین وضعی‌هایی ممکن است چند مورد از مصادیق حقوق بشر در تعارض با یکدیگر قرار گیرند، لذا این وضعیت‌ها باید به صورت موردی تحت بررسی قرار گیرد و به سایر جنبه‌های حقوق بشر که ممکن است در وضعیت مربوطه مورد تعرض قرار گیرند، توجه لازم صورت پذیرد. نک: مهدی حدادی، «ممنوعیت حجاب اسلامی در اروپا از نظر موازین حقوق بشر»، *مجله پژوهش‌های حقوقی* (۱۳۸۵)، ۱۲۱-۱۲۰.

۷۱. البته به نظر برخی از حقوقدانان، سلسله‌مراتب میان حق‌های بشری حالتی تصنعی دارد و به آن صورت نیست که بتوان بر اساس آن به بعضی از مقوله‌های حقوق فردی یا جمعی مرتبه‌ای بالاتر داد و یا از اولویت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر حقوق مدنی و سیاسی و یا برعکس سخن به میان آورد. از این رو، به کار بردن صفت اساسی برای بعضی از حقوق و آزادی‌های بشر نباید این توهم را به وجود آورد که میان این قبیل حق‌ها سلسله‌مراتبی به وجود آمده و بعضی از حقوق و آزادی‌ها ذاتاً بر بعضی دیگر اولویت دارند. نک: فلسفی، پیشین، ۱۷-۱۸.

72. Joseph Weiler, A. L. Paulus, "The Structure of Change in International Law or is There a Hierarchy of Norms in International Law?," *European Journal of International Law* 8 (1997): 554.

۷۳. قواعد آمره بین‌المللی (Erga Omnes) قواعدی است که در صورت نقض آنها، جامعه بین‌المللی در کل، متحمل خسارت می‌شود و بر این اساس هر دولت عضو این جامعه می‌تواند به مسؤولیت خطای استناد کند. با این حال، حوزه قواعد آمره در چارچوب قواعد اولیه جز در موارد اندک از جمله ممنوعیت ژنوسید، ممنوعیت استفاده و یا تهدید به استفاده از زور، مبهم است. این ابهامات می‌تواند اعمال ضمانت اجرای مؤثر نقض قواعد آمره از سوی

واضح است که امروزه دیگر قواعد کلاسیک حقوق بین‌الملل در خصوص حل تعارض میان معاهدات بین‌المللی بر طبق کنوانسیون حقوق معاهدات وین نمی‌تواند به طور کامل پاسخگوی تعارضات موجود میان قواعد و هنجارها در حقوق بین‌الملل مبتنی بر همکاری و منافع جامعه باشد و باید با توجه به واقعیت‌های موجود در عرصه جامعه بین‌المللی مبادرت به حل تعارضات موجود میان قواعد و نرم‌های حقوق بین‌الملل نمود. امروزه قاعده «قانون مطلوب‌تر»^{۷۴} به عنوان یکی از قواعد حل تعارض اختصاصی در حوزه حقوق بین‌الملل بشر، مورد استناد قرار می‌گیرد. البته مهمترین عامل محدودکننده موارد کاربرد این قاعده، تکثر نهادهای نظارتی و پای‌بندی و وفاداری سازمان‌های بین‌المللی به اسناد مؤسس خود می‌باشد. به طور نمونه در دهه اخیر، موضوع تعارض میان آزادی بیان و آزادی فکر، وجدان و مذهب و بالتبع آن، احترام به ادیان و پیامبران در اروپا از جمله موضوعات چالش‌برانگیز بوده است.^{۷۵} بی‌تردید، اقدامات برخی از دولت‌ها مبنی بر مشارکت، ترغیب و حتی سکوت در قبال هتک حرمت دین مقدس اسلام و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام، در تعارض با تعهدات حقوق بشری آنها مبنی بر لزوم به رسمیت شناختن و احترام به حق آزادی عقیده، مذهب و وجدان مسلمانان در سراسر جهان است.

۴-۴- افزایش تعداد مراجع بین‌المللی حل و فصل اختلافات

دلیل چهارم که مربوط به توسعه و تحول حقوق بین‌الملل است، افزایش مراجع اجباری حل و فصل اختلافات است. نمونه بارز این امر را می‌توان در دادگاه‌های موقت^{۷۶} مشاهده نمود. این واقعیت که از مراجع بین‌المللی درخواست می‌شود موضوعات و مسائل حقوق بین‌الملل را حل و فصل نمایند، خود حاکی از این امر است که میان قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل تعارض وجود دارد. رویه دادگاه‌ها و مراجع بین‌المللی در حل تعارضات موجود میان قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل خود می‌تواند منجر به ایجاد قواعد حل تعارض در حقوق بین‌الملل

جامعه بین‌المللی و در جهت حمایت از منافع بنیادین را تحت تأثیر قرار دهد. نک: سید فضل‌الله موسوی، فهمیه قیاسیان، «جبران زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه حقوق ۴۱ (۱) (۱۳۹۰)، ۳۳۰-۳۲۹.

۷۴. برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توانید مراجعه کنید به: سید علی سادات اخوی، «قاعده «قانون مطلوب‌تر» به عنوان ضابطه حل تعارض میان معاهدات حقوق بشری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۷۲ (۱۳۸۵).

۷۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توانید رجوع کنید به: طیبه اسدی، «آزادی بیان و هتک حرمت ادیان و پیامبران در اروپا از منظر حقوق بشر»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۱۰ (۱۳۸۵)، ۱۴۷-۱۱۳.

شود. در زمینه حل تعارض میان قواعد حقوق بین‌الملل، مرجع حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.^{۷۷}

۵- نظام مبتنی بر ارزش‌ها و منافع جامعه: ضرورت ایجاد سلسله‌مراتب هنجاری

همان‌طور که روزن در سخنرانی سال ۲۰۰۱ خود اذعان نمود، ساختار حقوق بین‌الملل در صد سال گذشته شکل گرفته و به معاهده صلح ستفالی پیوند خورده است.^{۷۸} آنچه مسلم است اینکه تاکنون هرگز نتوانسته به عالی‌ترین سطح ممکن برسد و به عنوان الگو مطرح باشد. بسیاری از اجزای این ساختار با چالش‌های جدی مواجه است. آیا در واقع مفهوم حاکمیت می‌تواند در جهان کنونی که ملت‌ها دارای وابستگی متقابل به یکدیگر می‌باشند، مجرا گردد؟^{۷۹} آیا برابری دولت‌ها امری واقعی یا مطلوب خود دولت‌هاست؟^{۸۰} واقعیت‌های معاصر، حاکی از روند رو به افزایش وابستگی متقابل ملت‌ها به یکدیگر است که ناشی از تغییر و تحولات شگرف در عرصهٔ تکنولوژی و فناوری و نتایج حاصل از آن می‌شود.

در جهان امروز، دولت‌ها به خوبی آگاهند که به تنهایی از عهدهٔ رفع معضلات خود برنمی‌آیند. وقوع جنگ‌های متعدد و تهدیدات تسلیحاتی مدرن هر کشوری را تهدید می‌کند، همان‌طور که فجایع ناشی از جنگ‌های جهانی اول و دوم به روشنی صحت این مدعا را نشان می‌دهد.

77. Paulweyn, op.cit., 22.

78. S Rosenne, "The Perplexities of Modern International Law. General Course on Public International Law," *Red Cross Journal* 291(2001): 23.

۷۹. برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توانید مراجعه کنید به:

JH Jackson, "Sovereignty – Modern: A New Approach to an Outdated Concept," *American Journal of International Law* 97 (2003), 782; D Palmetier, "National Sovereignty and the World Trade Organization," *Journal of the World Intellectual Property* 2 (1999): 88 .

80. N Krisch, "More Equal than the Rest? Hierarchy, Equality and US Predominance in International Law," in *United States Hegemony and the Foundations of International Law*, eds. M Byers and G Nolte (Cambridge University Press, 2003), 135; R Wolfrum, "Comment on Chapters 10 and 11," in *United States Hegemony and the Foundations of International Law*, eds. M Byers and G Nolte (eds) (Cambridge University Press, 2003), 356.

همین امر ضرورت اقدام دسته‌جمعی کشورها را بیش از پیش نمایان می‌سازد. معضلات زیست‌محیطی جوامع کنونی از جمله نازک شدن لایه اوزون و تغییرات آب و هوایی،^{۸۱} همچنین موضوعاتی نظیر حمل و نقل بین‌المللی،^{۸۲} ارتباط بین‌المللی،^{۸۳} تروریسم^{۸۴} و موارد متعدد دیگر ضرورت همکاری میان دولت‌ها را خصوصاً در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی ایجاب می‌نماید.^{۸۵} بعد از جنگ جهانی دوم، دولت‌ها درصدد برآمدند که حقوق بشر را تحت شمول نظام حقوق بین‌الملل درآورند و حقوق بشر را متعلق به بشریت در عرصه جامعه بین‌المللی قلمداد نمودند.^{۸۶} در اثر تحول حقوق بین‌الملل، تأمین احترام مؤثر و جهانی به حقوق انسانی به صورت یکی از هدف‌های اصلی این نظام حقوقی درآمده است.^{۸۷} تا جایی که حقوق بین‌الملل دیگر فقط به عنوان حقوق جامعه دولت‌ها یعنی نظام صرفاً محدود به روابط دولت‌ها تعریف نمی‌شود. بلکه آن را به عنوان حقوق «جامعه بشری جهانی»^{۸۸} هم تعریف می‌کنند.^{۸۹}

81. Montreal Protocol on Substances that Deplete the Ozone Layer; Kyoto Protocol to the United Nations Framework Convention on Climate Change; R Wolfrum, "Purposes and Principles of International Environmental Law," *GYIL* 33(1990): 308.

82. International Air Services Transit Agreement.

83. A Noll, "International Telecommunication Union," in *Encyclopedia of Public International Law II*, ed. R Bernhardt (North Holland, 1995), 1379.

84. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism and Actions by the Security Council.

۸۵. انتقال از حقوق مبتنی بر هم‌زیستی به حقوق مبتنی بر همکاری از شاخصه‌های حقوق بین‌الملل مدرن می‌باشد. حقوق مبتنی بر هم‌زیستی در معاهداتی با موضوعاتی نظیر حاکمیت سرزمینی، روابط دیپلماتیک، حقوق جنگ و صلح و مواردی از این قبیل خود را نشان می‌دهد. اما حقوق مبتنی بر همکاری میان دولت‌ها در چارچوب عملکرد سازمان‌های بین‌المللی که مرتبط با اهداف مشترک بشریت از جمله حقوق بشر، حفاظت از محیط زیست و تجارت بین‌الملل تبلور یافته است. نک: Pauwelyn, op.cit., 6-7.

۸۶. حقوق بشر، جهان‌شمول، جدایی‌ناپذیر و وابسته و مرتبط با یکدیگر است. اعمال اصول و هنجارهای حقوق بین‌الملل بشر و نیز به کارگیری سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر، برای جلوگیری از بروز تعارض میان قواعد و هنجارها و نیز برای برقراری صلح پایدار ضرورت دارد. نک: کلارنس دایاس، «هویت، کرامت، فرهنگ و حقوق بشر»، ترجمه رضا علی‌قلی‌پور، *حقوق بشر (مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید)* ۴ (۲) (۱۳۸۸)، ۱۹.

۸۷. امروزه معضلات جهانی نظیر محیط زیست، حقوق بشر و توسعه اقتصادی ضرورت همکاری دولت‌ها را در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی بیش از پیش کرده است. نک: Pauwelyn, op.cit., 19.

۸۸. هدف «حقوق جهانی بشر» ارائه یک دستورالعمل واحد و جامع برای رسیدن به یک جامعه ایده‌آل نیست، بلکه هدف متعادل‌تری را دنبال می‌کند که عبارتست از اعلام مجموعه‌ای از ارزش‌هایی که می‌تواند جامعه بین‌المللی مدرن را در انتخاب از بین گزینه‌های متنوع و حتی بعضاً معارض با یکدیگر راهنمایی کند. نک: مری آن گلندون، «مبانی حقوق بشر: کاری نیمه‌تمام»، ترجمه علیا هاشمی، *حقوق بشر (مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید)* ۴ (۲) (۱۳۸۸)، ۵۹.

89. Antonio Garapon, "Three Challenges for International Criminal Justice," *Journal of International Criminal Justice* 2 (2004): 719.

راستای تحقق منافع جامعه بین‌المللی دولت‌ها می‌بایست با یکدیگر همکاری نمایند و این همکاری باید در یک نظام حقوقی، قاعده‌مند شود.^{۹۰}

با توجه به روند رو به افزایش وابستگی متقابل دولت‌ها، ضرورت قانونمند کردن موضوعات بیشتری مطرح می‌شود و بر تعداد نظام‌های بین‌المللی افزوده می‌گردد و همین امر زمینه بروز تعارض‌های متعدد میان نظام‌ها را فراهم می‌نماید. در این میان نقش سازمان‌های بین‌المللی به عنوان مرجعی جهت هماهنگ کردن اقدامات دولت‌ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. بسیاری از موضوعات معاهدات چندجانبه و حتی قواعد عرفی قابلیت قانونمند شدن با استفاده از الگوی دوجانبه را ندارند. این مسئله انکارناپذیر است که امروزه معاهدات چندجانبه در مناسبات بین‌المللی فضای فوق‌العاده زیاد و غیر قابل مقایسه‌ای با قواعد دوجانبه به خود اختصاص داده‌اند. امروزه منافع جامعه، مفهوم الگوی دوطرفه را دستخوش تحول اساسی کرده است، خصوصاً با اعطای خصیصه «عام‌الشمول» به برخی تعهدات، این امکان فراهم شده که حتی دولت‌های ثالث که حقوق آنها در معرض تضییع قرار نگرفته است، با استناد به منافع خود در قبال نقض این تعهدات اقدام به دادخواهی نمایند. همچنین با ایجاد مفهوم قاعده‌آمره، یک سلسله‌مراتب هنجاری در مقررات حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است.

وجود تعارض میان قواعد ممکن است آشکارا یکپارچگی حقوق بین‌الملل را به مخاطره اندازد، هم به این دلیل که دولت‌هایی که عضو معاهدات معارض هستند، به طور کامل قادر به احترام به اصل لزوم وفای به عهد نمی‌باشند، و هم به دلیل اینکه ممکن است یکی از نرم‌های معارض از ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی حمایت کند و بنابراین از سوی یک نظریه مبتنی بر وجود سلسله‌مراتب هنجاری میان نرم‌ها به شدت مورد تأیید قرار می‌دهد.

در این ارتباط، به نظر برخی از حقوقدانان، حمایت متقابل به عنوان یک تعهد ویژه در مورد عمل تصدی از جانب دولت‌ها از جمله تعهد به دنبال کردن توأم با حسن نیت مذاکرات با هدف تحقق اصلاحات جدی در حقوق است که برای بازگرداندن یکپارچگی نظم قانونی بین‌المللی ضروری می‌باشند. در زمینه محیط زیست و سازمان جهانی تجارت، اصل حمایت متقابل این قابلیت را دارد که به کار آید و در تمام زمینه‌ها و وضعیت‌ها که دربرگیرنده تکرر

90. B Simma, AL Paulus, "The "International Community": Facing the Challenge of Globalization," *European Journal of International Law* 9 (1998): 266.

چارچوب‌های قانونی معارض می‌باشد که به لحاظ اجرایی برابرنده، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.^{۹۱}

نتیجه

در نظام حقوق بین‌الملل با کثرت مراجع قانون‌گذاری مواجه هستیم. معاهدات بین‌المللی که به عنوان مهمترین منبع حقوق بین‌الملل از آن یاد می‌شود، توسط دولت‌های متفاوت و در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی مختلف منعقد می‌گردد. با توجه به روند رو به افزایش وابستگی متقابل دولت‌ها، ضرورت قانونمند کردن موضوعات بیشتری مطرح می‌شود و بر تعداد نظام‌های بین‌المللی افزوده می‌گردد. همین امر زمینه بروز تعارض‌های متعدد میان نظام‌ها را در حقوق بین‌الملل فراهم کرده است. یکی از معضلات کنونی حقوق بین‌الملل، چگونگی واکنش نرم‌ها و قواعد متفاوت حقوق بین‌الملل در قبال یکدیگر است و اینکه در صورت بروز تعارض میان این قواعد چگونه باید اقدام نمود. با توجه به فقدان یک قانون‌گذار بین‌المللی واحد و تعدد دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نیز محاکم بین‌المللی که مبادرت به وضع و اجرای قواعد می‌نمایند، سیستم حقوق بین‌الملل دارای عدم تمرکز می‌باشد. این امر، منجر به وجود سطح وسیعی از نرم‌های بین‌المللی می‌شود که متشکل از حقوق بین‌الملل عرفی، اصول کلی حقوقی و معاهدات دوجانبه و چندجانبه متعدد در مورد تجارت، محیط زیست، حقوق بشر و حقوق دریاها و غیره می‌باشد. بروز تعارض میان نرم‌ها و قواعد حقوق بین‌الملل عمدتاً ناشی از فقدان یک قانون‌گذار متمرکز در حقوق بین‌الملل می‌باشد. قابلیت و امکان بروز تعارض میان نرم‌ها و قواعد بین‌المللی به عنوان یکی از ویژگی‌های ذاتی هر نظام حقوقی محسوب می‌شود. در حقوق داخلی بسیاری از تعارضات هنجاری ممکن است به دلیل وجود یک قانون‌گذار واحد و یا وجود یک سلسله‌مراتب کاملاً مشخص میان قواعد حقوقی مختلف برطرف گردد. در حقوق بین‌الملل کلاسیک، شمار زیاد نرم‌ها و قواعد، تمرکززدایی

۹۱. اصل حمایت متقابل دارای یک جنبه تفسیری انکارناپذیر می‌باشد که مستلزم برقراری سازش میان قواعدی است که بالقوه امکان بروز تعارض میان آنها وجود دارد. همچنین این اصل دارای یک جنبه قانون‌سازی نیز می‌باشد که بر دولت‌ها تعهد به دنبال کردن توأم با حسن نیت مذاکرات را تحمیل می‌کند که نهایتاً منجر به انعقاد موافقتنامه‌هایی می‌شود که قادر به یکپارچه‌سازی ملاحظات متفاوت در وضعیت حقوقی مورد نظر باشد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توانید مراجعه کنید به:

Riccardo Pavoni, "Mutual Supportiveness as a Principle of Interpretation and Law-Making: A Watershed for the WTO-and-Competing-Regimes' Debate?," *European Journal of International Law* 21(3) (2010): 649-679.

قانون‌گذاری در سطح بین‌المللی، اهمیت عنصر زمان و مکان در وضع قواعد و نرم‌های حقوق بین‌الملل، عدم وجود تمرکز در مراجع قضایی به عنوان عوامل بروز تعارض میان قواعد و نرم‌های حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. در حقوق بین‌الملل مدرن، نیز برخی از عواملی که منجر به افزایش بروز تعارض میان قواعد و نرم‌های حقوقی می‌شود، عبارتند از: انتقال حقوق مبتنی بر همزیستی به حقوق مبتنی بر همکاری جهانی‌سازی، سلسله‌مراتب میان ارزش‌ها و افزایش مکانیسم‌های قضایی حل و فصل اختلافات.

در حقوق بین‌الملل کلاسیک که غالباً به عنوان حقوق ناشی از همزیستی شناخته می‌شود، روابط به طور عمده، دوجانبه بوده و تعارض‌های هنجاری منطبق با الگوی دوطرفه است. تحولات حقوق بین‌الملل، ضرورت ایجاد یک سلسله‌مراتب در نظام‌های هنجاری حقوق بین‌الملل را ایجاب می‌نماید. آنچه مسلم است اینکه ساختار کنونی حقوق بین‌الملل تاکنون نتوانسته است به عالی‌ترین سطح ممکن برسد و به عنوان الگو مطرح باشد. در جهان کنونی که ملت‌ها دارای وابستگی متقابل با یکدیگر می‌باشند، دیگر مفهوم حاکمیت دولت‌ها نمی‌تواند به طور مطلق مُجراً گردد. در بحث تعارض میان قواعد، مفهوم «سلسله‌مراتب» از اهمیت زیادی برخوردار است. امروزه منافع جامعه بین‌المللی، مفهوم الگوی دوطرفه را دستخوش تحول اساسی کرده است، خصوصاً با اعطای خصیصه «عام‌الشمول» به برخی از تعهدات و نیز با ایجاد مفهوم «قاعده آمره»، یک سلسله‌مراتب هنجاری در مقررات حقوق بین‌الملل در حال شکل‌گیری است.^{۹۲} واضح است که امروزه دیگر قواعد کلاسیک حقوق بین‌الملل در خصوص حل تعارض میان معاهدات بین‌المللی بر طبق کنوانسیون حقوق معاهدات وین نمی‌تواند به طور کامل پاسخگوی تعارضات موجود میان قواعد و هنجارها در حقوق بین‌الملل مبتنی بر همکاری و منافع جامعه باشد و باید با توجه به واقعیت‌های موجود در عرصه جامعه بین‌المللی مبادرت به حل تعارضات موجود میان قواعد و نرم‌های حقوق بین‌الملل نمود. امروزه قاعده «قانون مطلوب‌تر» به عنوان یکی از قواعد حل تعارض اختصاصی در حوزه حقوق بین‌الملل بشر، مورد استناد قرار می‌گیرد. البته مهمترین عامل

۹۲. در این قلمرو سؤالی که قبل از هر چیز ممکن است مطرح شود اینکه آیا در تفسیر فقط باید به قواعد مرتبط با زمان انعقاد معاهده توجه کرد یا آنکه معاهده را در سیاق مقرراتی که بعد از انعقاد معاهده و به سبب واقعیات جدید اجتماعی پدیدار شده است، مورد مطالعه قرار داد. حقوق بین‌الملل عمومی در پاسخ به این سؤال، دو معیار به وجود آورده است. یکی برتری قاعده آمره که به موجب آن هر معاهده تابع قاعده آمره جدید است و دیگری آزادی اراده دولت‌ها در قلمرو معاهدات که مؤید آن است که تطبیق یا عدم تطبیق معاهده با قواعد جدید باید تابع اراده طرفین معاهده باشد. نک: هدایت‌الله فلسفی، «ملل متحد و آرمان بشریت»، *مجله تحقیقات حقوقی* ۳۶-۳۵ (۱۳۸۱)، ۴۶۸-۴۶۷.

محدودکننده موارد کاربرد این قاعده، تکثر نهادهای نظارتی و پای‌بندی و وفاداری سازمان‌های بین‌المللی به اسناد مؤسس خود می‌باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آن گلندون، مری. «مبانی حقوق بشر: کاری نیمه‌تمام». ترجمه علیا هاشمی. مجله حقوق بشر (مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید) ۴ (۱۳۸۸): ۶۸-۵۱.
- اسدی، طیبه. «آزادی بیان و هتک حرمت ادیان و پیامبران در اروپا از منظر حقوق بشر». مجله پژوهش‌های حقوقی ۱۰ (۱۳۸۵): ۱۴۶-۱۱۳.
- بصیری، محمدعلی، داود نجفی. «حقوق بشر و اخلاق زیست‌محیطی». حقوق بشر (مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید) ۴ (۱۳۸۸): ۸۰-۶۹.
- جلالی، محمود، امیر مقامی. «کارکرد حقوق بین‌الملل در فرایند جهانی شدن». فصلنامه حقوق ۴۱ (۳) (۱۳۹۰): ۹۷-۱۱۶.
- حدادی، مهدی. «ممنوعیت حجاب اسلامی در اروپا از نظر موازین حقوق بشر». مجله پژوهش‌های حقوقی ۹ (۱۳۸۵): ۱۲۲-۹۷.
- زارعی، محمدحسین. «مروری بر قانون حقوق بشر ۱۹۹۸ انگلستان». سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی ۴ (۱۳۸۷): ۲۰۶-۱۶۹.
- زمانی، سید قاسم. «راهکار تعقیب متهمان به جنایات بین‌المللی در غزه بر اساس گزارش گلدستون: صلاحیت جهانی». مجله پژوهش‌های حقوقی ۱۵ (۱۳۸۸): ۱۲۷-۱۰۳.
- سادات اخوی، سیدعلی. «قاعده «قانون مطلوب‌تر» به عنوان ضابطه حل تعارض میان معاهدات حقوق بشری». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۷۲ (۱۳۸۵): ۲۲۰-۲۰۱.
- شهبازی، آرامش. نظام حقوق بین‌الملل (وحدت در عین کثرت). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.
- عبداللهی، محسن، «مصونیت کیفری سران دولت در حقوق بین‌الملل: از مصونیت مطلق تا حکم جلب عمر البشیر». سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی ۴ (۱۳۸۷): ۱۲۵-۸۳.
- فلسفی، هدایت‌الله. «توالی معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، همبودی و تعارض تعهدات دولت‌ها». سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی ۱ (۱۳۸۴): ۷۸-۵.
- قاری سیدفاطمی، سید محمد، مهدی بالوی. «دولت مدرن حق بنیاد». ویژه‌نامه مجله تحقیقات حقوقی ۷ (۱۳۹۰): ۳۲۳-۲۹۳.
- قنبری جهرمی، محمدجعفر، زهرا محمودی کردی. «نقش اقدامات مبتنی بر روش‌ها و فرایندهای تولید غیرمرتبط با محصول (NPRPPMs) در حفاظت از محیط زیست جهانی و موانع اعمال آنها در WTO». مجله تحقیقات حقوقی ۸ (۱۳۹۱): ۳۸۴-۳۴۹.
- ماندگار، مصطفی. «جستاری در جهانی شدن و تحول در قراردادهای انتقال تکنولوژی». فصلنامه حقوق ۴۱ (۳) (۱۳۹۰): ۳۱۴-۲۹۷.
- موسوی، سید فضل‌الله، فهیمه قیاسیان. «جبران زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل». فصلنامه حقوق ۴۱ (۱) (۱۳۹۰): ۳۴۶-۳۲۷.

هستر میر، هولگر. حقوق بشر و سازمان جهانی تجارت. ترجمه و تحقیق هاله حسینی اکبرنژاد و حوریه حسینی اکبرنژاد. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.

ب) منابع انگلیسی

Alvarez, José. "The New Treaty Makers." *Boston College International and Comparative Law Journal* 25 (2002): 213-234.

Brownlie, Ian. *Principles of Public International Law*. Oxford: Clarendon, 1998.

Brunnée, Jutta, Stephen Toope. "International Law and Constructivism: Elements of an Interactional Theory of International Law." *Columbia Journal of Transnational Law* 39 (2000): 30-47.

Czaplinski, W., G. Danilenko. "Conflict of Norms in International Law." *NYIL* 21 (1990): 3-42.

Garapon, Antonio. "Three Challenges for International Criminal Justice," *Journal of International Criminal Justice* 2 (2004): 716-726.

Hafner, Gerhard. "Risk Ensuing from Fragmentation of International Law". ILC, Report on the Work of its 52nd Session, General Assembly Official Records, 56th Session, Supplement No. 10, A/55/10.

Kelly, Claire. "The Value Vacuum: Self-enforcing Regimes and the Dilution of the Normative Feedback Loop." *Michigan Journal of International Law* 23 (2001): 673-733.

Kontou, Nancy. *The Termination and Revision of Treaties in the Light of New Customary International Law*. Oxford: Clarendon, 1994.

Pauwelyn, Joost. *Conflict of Norms in Public International Law (How WTO Law Relates to other Rules of International Law)*. Cambridge: Cambridge University Press, 2003.

Pavoni, Riccardo. "Mutual Supportiveness as a Principle of Interpretation and Law-Making: A Watershed for the WTO-and-Competing-Regimes' Debate?." *European Journal of International Law* 21(3) (2010): 649-658.

Posner, Richard. *Overcoming Law*. Cambridge: Harvard University Press, 1995.

Regina v. Bow Street Metropolitan Stipendiary Magistrate and Others, ex parte Pinochet Ugarte (No. 3), judgment by the House of Lords of 24 March 1999 [2000] AC.

Reisman, Michael. "International Law after the Cold War." *AJIL* 84 (1990): 859-866.

Rosenne, S. "The Perplexities of Modern International Law. General Course on Public International Law." *RdC* 291 (2001): 9-35.

Sadat Akhavi, Seyed-Ali. *Methods of Resolving Conflict between Treaties, Graduate Institute of International Studies (series)*. Leiden: Brill Academic Publishers, 2003.

Simma, B, AL Paulus. "The "International Community": Facing the Challenge of Globalization." *EJIL* 9 (1998): 266-277.

Slaughter, Anne-Marie. "International Law in a World of Liberal States." *EJIL* 6 (1995): 503-538.

Spelliscy, Shane. "The Proliferation of International Tribunals: A Chink in the Armor." *Columbia Journal of Transnational Law* 40 (2001): 143-176.

Stoll, P – T, B Berger (eds). *International Governance for Environment and Sustainable Development, Goettingen Workshop 10 – 11 December 2001 in Goettingen, Germany*, 2001.

Villiger, Mark. *Customary International Law and Treaties, a Manual on the Theory and Practice of the Interrelation of Sources*. The Hague: Kluwer, 1997.

Vranes, Erich. "The Definitions of 'Norms Conflict' in International Law and Legal Theory." *European Journal of International Law* 17(2) (2006): 395-418.

Wolfrum, R. "Purposes and Principles of International Environmental Law." *GYIL* 33 (1990): 308-330.

Wolfrum, Rudiger, NeleMatz. *Conflicts in International Environmental Law*. Berlin/London: Springer, 2003.

International Law: The Law Based on the Coordination or Conflict?

Dr. Hoorieh Hosseini Akbarnezhad

Ph.D. in International Law and Faculty Member of Tarbiat Modares University
Email: hooriehosseini@yahoo.com

&

Dr. Hale Hosseini Akbarnezhad

Ph.D. in International Law, Lecturer at University and Researcher
Email: halehosseini555@yahoo.com

One of the most prominent and urgent problems in international governance is how the different branches and norms of international law interact, and what to do in the event of conflict. The potential for conflict between norms seems inherent in any legal system. As far as norms of international law are concerned, there are a number of variables that make conflict an even more inevitable occurrence. Most of the reasons why conflict arises in international law are inherent in the nature of international law. A more practical consequence of international law essentially being created only by state consent is that many international norms are left unclear and in potential conflict with other norms.

There is no inherent hierarchy as between the different sources of international law traditionally referred to (treaties, custom, general principles of law and unilateral acts of states or international organizations). In principle, they all have the same binding force. Even the higher standing of *jus cogens* is unrelated to its source.

The emergence of the concept of *jus cogens*, essentially in the second half of the twentieth century, corresponds to an awareness that not all norms of international law should have the same status. Some of them protect so important and universal a value, such as the prohibition on genocide, that they have a hierarchical standing that is higher than other norms.

Keywords: International Law, Conflict, Norm, Hierarchy.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVI, No. 2

2017-2

- **Explaining the Principles of Banking Regulation in the Perspective of the Legal System of Iran**
Dr. Ali Akbar Gorji - Dr. Hedieh Sadat Mirtorabi
- **Determination Responsible for the Accident between Car Owner and Driver in Mandatory Insurance Law of Civil Liability Owner of Motorized Vehicles**
Dr. Hamid Bahrami Ahmadi - Reza Aghaabbasi
- **The Basis and Extent of Civil Liability of the Contractor**
Shahram Karimi Tazehkand - Dr. Mahmoud Erfani - Dr. Javad Vahedi Zadeh
- **International Law: The Law Based on the Coordination or Conflict?**
Dr. Hoorieh Hosseini Akbarnezhad - Dr. Hale Hosseini Akbarnezhad
- **Investigation of Juridical Principles of Article 852 of Civil Code**
Dr. Sayyed Mohammad Sadegh Tabatabaei - Fatemeh Karimi
- **The Principles of Independence and Impartiality in the Public Service Broadcasting with Emphasis on Iran**
Nafiseh Moarefi
- **Determination of Legal Regime Governing Commercial - Tourism Space Flights**
Amineh Farasatmand
- **The Fundamental Survey on Some Aspects of Bill of Exchange Based on Regulations of the New Commercial by-Law**
Dr. Hamid Miri - Sirous Shahriari - Mostafa Abedinpour
- **Review Iranian Legislative Election Venue from the Viewpoint of the Criteria for Free and Fair Election Venue**
Seyed Yasin Hosseini
- **Examining Law System of Health Service Insurance in Iran with Comparing Health Insurance in America**
Dr. Emran Naimi - Mohammad Sharifi Soltani
- **The Impact of Laws on Property Ownership on Urban Real Estate Transactions**
Shahnaz Seifolahi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study